

تأثیر حکمرانی خوب بر رعایت حقوق شهروندی

منوچهر یاسمی، امیر جان محمدی

چکیده

حکمرانی یکی از اساسی ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست، البته اختلاف نظرهایی درکم و کیف آن وجود دارد، باین حال دغدغه ی اصلی اغلب نظریه پردازان این حوزه، اجرای عدالت و برقراری نظم و امنیت است، قانون اساسی هرکشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت به تعیین و تضمین حقوق شهروندی شهروندان جامعه و تنظیم روابط دولت و ملت می پردازد. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه هایی مانند قانون مندی، مشارکت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، شفافیت و اثربخشی تعریف می شود که درسالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

حقوق شهروندی نیز از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاهی پیدا کرده است. شهروندی وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیتهایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می گیرند، این مقاله به بیان مفهوم و مولفه های حکمرانی خوب می پردازد، و تأثیر آن را در رعایت حقوق شهروندی مورد واکاوی قرار می دهد و بیان می دارد که رعایت و تضمین حقوق شهروندی جز در سایه حکمرانی خوب امکانپذیر نیست و دستیابی به حکمرانی خوب، اجرای شاخص های حقوق شهروندی را آسان می نماید.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، حکمرانی خوب، حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، دولت، مشارکت

مقدمه

در طول تاریخ دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده و همیشه، حکومت کردن توسط حاکمان مورد توجه صاحب نظران حقوق عمومی بوده است، تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت برای شهروندان اعلام می‌کنند. امروزه "حقوق شهروندی" از اهم مباحث حقوق بین‌الملل و حقوق ملل است. ارزش ذاتی این مقوله تا جایی است که آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده است. بحث حقوق شهروندی ذیل مقوله حقوق بشر اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه پس از اعلام جمهوری این کشور به طور منسجم مطرح شد و در پی جنگ جهانی دوم، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اضافه گردید و تبعات آن‌ها اصلاحاتی را در زمینه‌های آزادی‌های عقیده، مذهب و... به همراه آورد. اهمیت حقوق شهروندی تا جایی است که رسیدن به یک حکومت مردم‌سالار مستلزم وجود جامعه‌ای است که مردم آن علاوه بر بلوغ دموکراتیک به حقوق و تکالیف شهروندی خود واقف باشند.

امروزه تحولات اساسی در زندگی شهروندان به وقوع پیوسته و همین امر سبب شده است که نیازهای شهروندان را متعدد و گوناگون نماید بنابراین دولت‌ها برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان بایستی الگوی جدیدی را پیاده‌سازی کنند تا بتوانند از همه ظرفیت‌های جامعه برای تقویت قانونمندی، شفافیت و مشارکت استفاده نمایند، این الگوی جدید همان حکمرانی خوب است از این رو توجه و تاکید بر این مدل کمک شایانی به همکاری سه بخش دولتی، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در رعایت حقوق شهروندی می‌کند. نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در ارتقای مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکومت تاثیر بسزایی دارد.

از سوی دیگر قانون اساسی به عنوان عالیت‌ترین سند حقوقی کشور ضمن تنظیم روابط حاکم و شهروندان، به تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌پردازد، هریک از مولفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی و سایر قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مورد بیان شده است هرچند در عرصه عمل نیز شاهد فراز و نشیب این‌ها این شاخص‌ها بعد از انقلاب بوده ایم، روش تحقیق در این مقاله روش تحلیلی و توصیفی می‌باشد و نگارنده در پی آن است که مولفه‌های حکمرانی خوب به چه نحودر خود قانون اساسی بیان شده‌اند و اجرای این مولفه‌ها چگونه رعایت حقوق شهروندی در جامعه را تضمین می‌کند و در نهایت اثبات این فرضیه که رعایت حقوق شهروندی با حکمرانی خوب رابطه مستقیم داشته و اجرای کامل حقوق شهروندی در جامعه ایران مستلزم پیاده‌سازی یک الگوی ایده‌آل و بومی از حکمرانی خوب می‌باشد، را بیان می‌نماید.

مبحث اول: حکمرانی خوب

کفتار اول : تعاریف و مفاهیم

بند اول:حکومت^۱ و حکمرانی^۲

حکمرانی مفهوم پیچیده ای است که ارائه تعریفی دقیق و مشخص برای آن مشکل می باشد. از آن جا که این اصطلاح جنبه ی شهودی قوی دارد، افرادی که از آن استفاده می کنند کمتر به فکر ارائه تعریف دقیق از حکمرانی هستند. بهر حال، به لحاظ زبان شناسی حکمرانی از دیرباز بر عمل یا فرایند حکومت کردن دلالت می کرده است. برنامه توسعه ی سازمان ملل حکمرانی را اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در امور کشور داری در تمامی سطوح آن می داند. اما برخی دیگر مانند کارن بر این باورند که، حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه-ی مدنی، حکومت کنندگان و حکومت شوندگان مربوط می شود.

اصطلاحات حکمرانی و حکومت، دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضا فارغ از مفهوم، معمولا جایگزین یکدیگر به کار می روند. اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی گردد. واژه ی حکمرانی از لغت یونانی (kybernan) و (kybernetes) گرفته شده و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن است (شریفانی ثانی، ۱۴۹: ۱۳۸۰).

در ادبیات حقوق عمومی از حکومت و حاکمیت به عنوان یکی از عناصر و ارکان بنیادین دولت- کشور^۳ یاد می شود که مفهوم آن سیطره ی اراده ی برتر است که در یک قلمرو سرزمینی معین هیچ اراده ی رقیب دیگری از گروه های اجتماعی فراتر از آن وجود ندارد و از نظر بیرونی اراده ی فوق نبایستی تحت سلطه و آمریت دولت دیگر باشد (عالم، ۱۳۷۵ : ۱۴۵).

بند دوم: مفهوم حکمرانی خوب در حقوق عمومی

مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن هنوز به انسجام و استواری لازم نزدیک نشده و تعبیر مختلفی در مورد آن به کار می رود. برخی تعاریف ویژگی های آن را برمی شمارند و برخی دیگر عناصر آن را، به عنوان مثال کارشناسان بانک جهانی با بیان ویژگی ها به بیان آن می پردازند. و معتقدند مولفه هایی چون مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و مسئولیت پذیری ، توجه به آرا عمومی و توافق جمعی، برابری ، اثر بخشی و

^۱. Government.

^۲. Governance.

^۳. Nation-state.

کارایی ، چشم انداز استراتژیک حکمرانی خوب را شکل می دهند.(سردار نیا و شاکری،۲۸:۱۳۹۳) و برخی نیز آن را با عناصرش معرفی می کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر زیر است:

در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان ها و مدیریت نیروها و نهاد های منطقه ای و جهانی.

-پویایی محیط و فرایند ها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهاد ها.

-عقلایی کردن نقش دولت.

-تقویت افراد ، ذینفعان ، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقش ها و مسئولیت ای جدید.

-ایجاد هم افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیر رسمی.

-ظرفیت سازی ، شامل بهبود منابع انسانی ، تقویت خط مشی و مدیریت مالی و ایجاد و ارتقا شراکت در زمینه رشد کارساز اقتصادی و برابر در سطوح جهانی، منطقه ای ، ملی و محلی ، گروهی دیگر از محققان با بیان ویژگی های حکمرانی خوب به ارائه تعریف از آن پرداخته اند .آنان معتقدند حکمرانی خوب دارای ویژگی های ذیل است:

-وجود و تقویت ساختارهای مردم سالارانه در جامعه.

-شفافیت ، پاسخ گویی، هوشمندی و توسعه مشارکت جویان.

-توجه و واکنش به درخواست های مردم .

-ایجاد خط مشی های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه.

-احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون(قلی پور، ۷۴:۱۳۸۷)

به هر حال، تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم حکمرانی خوب، به عمل آمده است که از جمله آن می توان به تعاریف زیر اشاره کرد:

کمسیون جامعه ی اروپا تصریح می کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع است که دولتمردان، نهاد ها و سازمان ها به حقوق بشر ، اصول دموکراسی و قانون مندی ، احترام بگذارند.

بانک توسعه آفریقا حکمرانی خوب را اینگونه تعریف می کند: حکمرانی خوب همان حکمرانی شفاف است که بر چهار پایه بهم وابسته یعنی پاسخ گویی، شفافیت، قابل پیش بینی بودن و مشارکت استوار می باشد.

براساس جدید ترین تعریف **بانک جهانی**، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست های پیش بینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت پذیری کارگزاران، پاسخ گویی دستگاه های اجرایی در قبال عملکرد های خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می یابد. به طور کلی می توان گفت حکمرانی خوب، تعیین کیفیت و چگونگی اداره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف معین شده، می باشد. این مورد دربرگیرنده روش ها و راهکارهایی است که شهروندان و سایر کنش گران اجتماعی می توانند از این طریق، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند.

باتوجه به تعاریف فوق، حکمرانی خوب درواقع یک گفتمان نوینی در اعمال حکمرانی به حساب می آید که با تلفیق مولفه های خاص، حکمرانی ایده آل را توصیف می کند. تبیین اندیشه حکمرانی خوب را می توان به عنوان الگوی نوینی برای اداره کشور به حساب آورد این خود باعث شکل گیری گفتمان و مدل جدیدی برای مملکت داری می شود.

لازم به یادآوری است که، حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی آن یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوص یک تعامل دوسویه و متقابل وجود دارد. فعالیت تعاملی بین این سه بخش، نقش پیش برندگی و تسهیل کنندگی را ایفا و بسترهای لازم برای تحقق حکمرانی خوب فراهم می کند (امامی، ۱۳۹۵: ۳۱).

بند سوم: مبانی حقوق حکمرانی خوب

با نگاهی به پیشینه نظریه حکمرانی خوب به وضوح می توان دریافت که این نظریه در حقیقت در مقام تبیین الگویی به منظور دستیابی به توسعه پایدار است. به بیان دقیق تر این نظریه ابتدا رویکرد اقتصادی داشته و هدف از آن توسعه اقتصادی بوده است (میدری، ۲۶: ۱۳۸۳) و بر همین اساس در مقام تحلیل و بررسی در کنار دیدگاه دولت بزرگ یا تقویت و گسترش اقتصادی دولت و دولت کوچک یا کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد مطرح گردید و نقش محوری در این نظریه با توانمندسازی دولت از طریق شایسته سالاری، تمرکز زدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استاندارد سازی نظام های آماری، پولی و بودجه ایی تحقق پیدا می کند (میدری، ۲۹: ۱۳۸۳).

این در حالی است که می‌توان مبانی حقوقی این نظریه را چگونگی دست یافتن به حکومتی عادلانه و مردم سالار جست و جو نمود (شاه آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۲). به بیان دقیق تر نظریه حکمرانی خوب با بیان شاخصه‌ها و معیارهایی به دنبال ترسیم راهی برای تحقق مفاهیم مردم سالاری و عدالت به عنوان مبانی حکومت در ادبیات معاصر است. بر این اساس نظریه حکمرانی خوب سبب شکل گیری دولت هایی شده وظیفه و نقش اصلی آن در توصیه و تقویت نهادهای مردم سالار است که در نهایت منجر به رعایت حقوق شهروندی شهروندان در جامعه و ترسیم و تشکیل جامعه آرمانی و متعالی می گردد.

گفتار دوم: اهداف حکمرانی خوب

اهداف کلان حکمرانی خوب به شرح زیر تدوین شده اند:

- بازساخت جامعه‌ی مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی .
- کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در کشور.
- افزایش مشارکت شهروندان و صاحبان منافع در فرآیندهای سیاسی.
- کاهش فساد و افزایش سلامت اداری
- بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه‌ی شهروندان
- حفظ و توسعه مردم سالاری.
- ایجاد فرصت و امکان برای شهروندان به منظور نشان دادن مطالباتشان.
- اعتلای امنیت، برابری و پایداری در کشور (امامی، ۱۳۹۵: ۳۳).
- برای تحقق اهداف فوق، مستلزم وجود مدلی از حکمرانی هستیم که دارای مشخصات متناسب با اهداف بیان شده باشد. براینکه این خصوصیات به شرح ذیل قابل استنتاج هستند:
- تشریک مساعی و همکاری بین کنشگران (بخش خصوصی، جامعه مدنی، دولت) از طریق تعامل دوسویه و متقابل.

- عملکرد سازمان سیاسی بایستی شفاف و محاسبه پذیر در حد تضمین امکان اعمال رای و نفوذ موثر حکومت شوندگان بر حکومت کنندگان

- قانون گرایی و احترام به عرصه ی عمومی و مدنی و هم چنین به رسمیت شناختن حقوق فردی، مدنی و اجتماعی.

- مشارکت فعال و موثر شهروندان و سایر کنشگران اجتماعی بر مبنای عدالت، توافق و اجماع آرا و نظرات.

- توانمندی و نوآوری در شیئه ی حکمرانی و اداره ی کشور.

- کارآمدی حکومت در زمینه ی برآورده ساختن مطالبات شهروندان.

به این ترتیب اداره ی امور کشور در سیر تحول مفهومی و نظری خود به استناد مدل حکمرانی خوب با پذیرش فرآیند کل نگر و فراگیر همه کنشگران و بخشهای رسمی و غیررسمی مرتبط با اداری کشور، ماهیتی متفاوت به خود می گیرد (خدایی ، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶).

گفتار سوم : ارزیابی مولفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی ایران

ساختار دولت در ایران از دوساختار اجتماعی و فرهنگی نشات گرفته است (آشوری ۱۳۷۶: ۱۷-۳۴). همین شکل فرهنگی و اجتماعی باعث به وجود آمدن نوع خاصی از حکومت در ایران شده، که توأمان بر اسلامیت نظام (اصل چهارم و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و جمهوریت نظام (اصل ششم قانون اساسی) تاکید می شود. از جمله وظایف و کارکرد های قانون اساسی کیفیت توزیع قدرت سیاسی، سازماندهی و اقتدار می باشد، که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده است. مولفه های حکمرانی خوب به صورت کلی در اصول قانون اساسی بیان شده است.

حکمرانی خوب نمی تواند یک نسخه استاندارد باشد، حکمرانی خوب در کشورهای مختلف بایستی براساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آن ها باشد. به هر حال اصول بنیادین حکمرانی خوب ، جهانی و همگانی است ولی اجرای آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها حق دارند که مدل ملی متعلق به خود را در زمینه ای حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند در ذیل به ارزیابی کاربرد مولفه های حکمرانی خوب در قانون اساسی پرداخته می شود.

۱- حاکمیت قانون

در سادترین بیان، حاکمیت قانون یعنی انجام هر عملی مطابق قانون باشد. در مقام بیان تمایز میان حقوق عمومی و خصوصی، حاکمیت قانون را می توان در تقابل با حاکمیت اراده قرار داد. از این نظر گاه حاکمیت قانون، موجد و معرف صلاحیت ها و نه اراده است، حاکمیت قانون وضعیت عدم حاکمیت اراده هاست (امامی، زرگوش، ۱۳۸۷: ۵۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تجدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابر شمردن آنها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش بینی نظارت های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳). تساوی و برابری افراد در برابر قانون و ایجاد عدالت در توزیع منابع و امکانات در بین شهروندان از ابزارهای حاکمیت قانون می باشد، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید اساسی شده است.

۱-۱ موانع اجرایی حاکمیت قانون در ایران

- ۱- عدم پیش بینی ضمانت اجرای لازم برای اجرای قوانین.
- ۲- عدم مشارکت و نظر خواهی شهروندان در تهیه، تدوین و اجرای قوانین.
- ۳- تغییرات پی در پی قوانین و مقررات.
- ۴- عدم تطابق قوانین با نیازهای شهروندان.

۱-۲ راههای تقویت حاکمیت قانون در ایران

- وجود قوانین شفاف و صریح
- تقویت سیستم قضایی و نظارتی
- استفاده از رسانه های گروهی برای فرهنگ سازی در راستای احترام به قانون و رعایت حقوق شهروندی

- پیش نویس قوانین و مقررات قبل از تصویب در اختیار شهروندان و صاحب نظران قرار گیرد.

۲- کرامت انسانی

در قانون اساسی همه افراد جامعه صرف نظر از نژاد، زبان، قومیت و جنسیت در تمامی عرصه های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند (اصول ۱۹، ۲۰). از سوی دیگر تعرض به جان، مال، حیثیت، مسکن، عقیده و فکر جمعی ممنوع است و قانون از آن حفاظت می کند (اصول ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷). در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران سیستم قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به صورت مستقل بنا شده است.

۲- مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است، البته بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل اجرا نیست. مسئولیت پذیری حکومت در مقابل مردم و نیز و نیز مردم در مقابل حکومت و جامعه، عنصر مهم در ایجاد رابطه دوسویه و همکاری جویی و عدم شکاف بین حکومت و جامعه است که امروزه به دلیل پیچیده شدن جوامع و گسترش نیازها، این دوسویگی و تعامل برای ایجاد و استمرار حکمرانی ضروری است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۴۳).

۳- عدالت محوری و برابری

نابرابری های اقتصادی و اجتماعی یکی از اوصاف مشترک همه جوامع به شمار می رود. اما استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از اهداف عالیه ای است که حکومت ها آن را در سرفصل برنامه های خود قرار داده اند. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مخلف (اصل سوم، اصل بیست و هشتم و بیست و نهم، و اصل چهل و چهار و پنجم) پی ریزی اقتصاد صحیح عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه های تغذیه مسکن و کار و بهداشت و به کار انداختن انفال و ثروت های عمومی و نیز توزیع عادلانه منابع طبیعی کشور، را به عنوان یکی از سیاست های اسای دولت مقرر داشته است. این تکلیف قانونی ایجاب می کند زمامداری کشور، با بهره برداری امکانات و استعداد های ملی، آن چنان سیاستی را پیش گیرد که نظر مذکور را تامین کند.

۴- مشارکت

مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول بنیاین حقوق عمومی و علوم سیاسی محسوب می شود. بدین معنی که مشروعیت قدرت سیاسی مبتنی بر آزادی و ابتکار عمل شهروندان در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور به حساب می آید. با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، مشارکت آنان در انتخاب زمامداران یکی از زمینه های بارز این حاکمیت است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۵). مشارکت سیاسی شهروندان در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای آن از طریق مشارکت از راه انتخابات، مشارکت از طریق نظارت همگانی، مشارکت در تشکیل شوراهای و عضویت در آنها و

مشارکت در فعالیت های اقتصادی صورت می پذیرد که متأسفانه به دلایل ذیل مشارکت شهروندان دربرخی زمینه ها به مثابه کشورهای غربی چشمگیر نبوده است

۱- نبود انگیزه کافی شهروندان برای مشارکت به دلیل عدم تامین حداقل مطالبات آنها.

۲- تقدم منافع شخصی برخی مدیران بر منافع شهروندان.

۳- عدم آگاهی مردم نسبت به حقوق خود

۴- ضعف نظام آموزشی (قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۴).

مبحث دوم: تعاریف و تاریخچه حقوق شهروندی

در تبیین حقوق شهروندی ابتدا ناگزیریم تعریف دقیقی از حقوق و شهروندی ارائه نماییم تا با تشریح آن، گستره، مخاطبان و دارندگان «حقوق» شهروندی آشکار گردد؛ زیرا، در غیر این صورت این حقوق به مخاطره می افتد چرا که مجری یک حق بدون شناخت تعریف و مفهوم آن حق نمی تواند آن را مطالبه نماید.

گفتار اول: تعاریف حقوق شهروندی

بند اول: تعریف لغوی حقوق و شهروندی:

شهروندی^۴ به وضع رابطه موجود میان یک شخص طبیعی و یک جامعه سیاسی موسوم به دولت را حکایتگر است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۴۱۳). حقوق از نظر لغوی جمع حق است و اختیارات، توانایی ها و قابلیت هایی است که به موجب قانون، شرع و عرف و قرارداد برای انسان ها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسان ها را با هم در حقوق خصوصی، عمومی و اساسی تنظیم می کند. در زبان فارسی واژه ی «حقوق» به معانی گوناگون به کار می رود که از جمله مهمترین آنها این است که حقوق به مجموع قواعدی که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می کند تعریف می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲).

بند دوم تعریف اصطلاح شهروندی:

⁴ - citizenship

شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر (city) است. شهروندی را قالب پیشرفته شهرنشینی می دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل می نمایند به شهروند ارتقا یافته اند. شهروند یک عضو رسمی از یک شهر یا کشور است، این دیدگاه حقوق و مسئولیت های را به شهروند یادآور می شود که در قانون پیش بینی و تدوین شده است. در واقع شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، پس شهروندی مجموعه ای گسترده از فعالیت های فردی و اجتماعی است. فعالیت های که اگرچه فردی باشند اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است که به کمک مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت های زندگی اجتماعی ارائه می کند. در واقع شهروندی وصفی است عادلانه برای همه افراد و آحاد یک ملت که در قالب کلیه افراد از وضعیت مشابه و یکسان برخوردارند. بر این مبناست که شهروندی موجبات همگرایی و همبستگی اجتماعی را فراهم می سازد. در چنین نظامی شهروندان، وامدار و متعهد بر چیزی جز آنچه متضمن تامین منافع و مصالح ملی نیستند (خدایی، ۱۳۸۷: ۸۸).

بند سوم: تعریف حقوقی حقوق شهروندی: حقوق شهروندی عبارتست از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت های لازم از آن برخوردارند (هاشمی، ۱۳۹۳: ۱۲).

گفتار دوم: حقوق شهروندی بعد از انقلاب اسلامی:

کشور ایران با پشت سر گذاشتن تجربه مشروطیت و ناکامی های آن، از برکت رشد تدریجی افکار عمومی و توسعه آزادیخواهی ناشی از آن و در پی راهبری های اصولی روشنفکران، روحانیون و رهبران فکری، مبارزات موفق اسلامی و ملی را تجربه کرده است. در این میان نقش رهبری حضرت امام خمینی «ره» به عنوان عالم برجسته دینی و در عین حال آشنا به مولفه های سیاسی فردگرایه و ضد استبداد طی ۱۵ سال (۱۳۵۷-۱۳۴۲) بسیار تعیین کننده بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند حقوقی نظام سیاسی کنونی کشور ما در اصول متعدد فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت (اصول ۱۹ تا ۴۲) و پاره ای اصول دیگر، جایگاه ویژه ای را برای حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم قائل شده و در اصل نهم، آزادی را یکی از محورهای اصلی و غیرقابل سلب نظام سیاسی کشور قرار داده است. از جمله این اصول که آزادیهای مردم و حقوق آنها را دسته بندی نموده است به شرح ذیل می باشد:

۱. امنیت عمومی حیثیت، جان، مال، شغل و حقوق (اصل ۲۲، ۲۵) و امنیت خصوصی مسکن خلوت و واقامت (اصول ۲۵ و ۳۳).

امنیت قضایی در اصول برائت (اصل ۳۷) تعقیب قانونی (اصل ۳۲) محاکمه عادلانه (اصل ۳۵) محاکمه علنی (اصل ۱۶۵). قانونی بودن جرائم و مجازات ها (۳۶ و ۱۶۹) و امنیت متهمین و محکومین (اصول ۳۸ و آزادی عقیده (اصل ۳۲) بیان (۲۴) احزاب (۲۶) و اجتماعات (اصل حقوق و آزادیهای افراد در اداره کشور و اشتغال (اصول ۱۰۷، ۱۰۰، ۵۶، ۷، ۶ و ۱۱۴)

حقوق اقتصادی و اجتماعی (اصول ۲۹، ۲۸، ۲۱) و فرهنگی (بند ۲ و ۴ اصل ۳ و حقوق زنان و کودکان (اصل ۲۱) اقلیت ها (اصول ۱۲ و ۱۴) پناهندگان (اصل ۱۵۵).

گفتار سوم : مفاهیم و مصادیق حقوق شهروندی

مفهوم شهروندی را می توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است و به شدت از نحوه ی نگاه معطوف به استعداد انسان بلوغ یافته، توانایی های وی و چگونگی شرکت کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی، اجتماعی متأثر است (یاسمی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). در این گفتار پس از بیان مفاهیم حقوق شهروندی، مصادیق آن را مورد تحلیل قرار می دهیم.

بند اول : مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از یک سو بر انسانیت و از سوی دیگر بر مدنیت انسان تکیه دارد . بدین مفهوم که ، امتیازات کلی که هر کس به لحاظ انسان بودن فارغ از هر گونه تمایز و تفاوتی از آن برخوردار است، اصول قهری و لایتغیر که در چار چوب قواعد کلی حقوقی ، ذاتی و طبیعی فرض شده لذا فراتر از اراده دولت ها تجلی می یابد . و مشمول مرور زمان نمی شود، بلکه لازمه حیات فردی و اجتماعی آحاد بشر است. این اصول و قواعد با ابتدای بر ارزش و ملاحظات انسانی ، در سطوح داخلی و بین المللی مورد تاکید و توجه ویژه قرار گرفته و از قبل از آنها حقوقی به نیت افراد انسانی وضع می شود که باید در همه ی ابعاد زندگی ، اعم از روابط شخصی و اجتماعی و در زمان صلح و جنگ معیار رفتار ها و محک ارزیابی قرار می گیرد.

در تبیین حقوق شهروندی ابتداء ناگزیریم تعریف دقیقی از حقوق و شهروندی ارائه نماییم تا با تشریح آن ، گستره مخاطبان و دارندگان حقوق شهروندی آشکار گردد.

حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می شوند و در واقع اطلاقی عام بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان دارد. به عبارت دیگر مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی بدون تبعیض برای همسازی زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می گیرد ، حقوق شهروندی نام دارد.

پس حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که رنگ تعلق و وابستگی ملی به خود گرفته است .

بند دوم : حقوق شهروندی و مصادیق آن

مصادیق حقوق شهروندی : طبق دکترین مسلم حقوقی در این رابطه حقوق دارای سه بخش است که مجموعه ای متضمن حقوق « سیاسی » ، « مدنی » و « اجتماعی » را در بر دارد که آزادی ها و و حقوق فردی را در برابر دولت یا حرکت تضمین می نماید . و بیش از همه متعهداتی سلیمی بر عهده دولت می گذارد (احمدی پری ، ۱۴۰).

الف - حقوق مدنی : این حقوق شامل موارد متعددی است ، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض ، آزادی بیان ، مذهب تساوی در برابر قانون ، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس و نژاد و ...

ب - حقوق سیاسی : حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرآیند ملی آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در می گیرد . حق رای و اتقان تصدی مسئولیت در سطح حکومت ، آزادی گرد همایی و تشکیل انجمن ، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت سیاسی و ...

ج - حقوق اقتصادی و اجتماعی : حقوق اقتصادی و اجتماعی شامل حق مالکیت ، حق کار کردن ، برابری در فرصت های شغلی ، حق بهره مندی از خدمات اجتماعی ، بهداشتی ، بهره مندی از تامین اجتماعی و استاندارد های زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری و از کار افتادگی و ...

د - حقوق فرهنگی : حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها ، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت ، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت ، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی ، احترام به تفاوت های حقوقی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم ترین حقوق فرهنگی می باشند.

ه - حقوق قضایی : بهره مندی از اصل براءت ، حق دفاع ، دادرسی عادلانه ، حق اعتراض به تصمیمات قضایی ، رسیدگی علنی و بدون تبعیض ریا، حق دسترسی به اوله قضایی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ریا،

حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی ، حق انتخاب وکیل از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می گردد.

گفتار چهارم : مرز میان حقوق بشر و حقوق شهروندی

حقوق بشر و حقوق شهروندی چندان مشابهت دارند که اشتراکشان تمایز را مشکل می کند. برای تفکیک این دو، چند محور را می توان ذکر کرد: دارنده حقوق بشر ، موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی از آن خواهد شد در حالی که دارند، حقوق شهروندی به تعریفی که ذکر شده است شهروند می باشد. حقوق بشر ، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب قرار می دهد و فرمان می دهد. در حالی که حقوق شهروندی، اجتماعی با افراد خاصی را که در محدوده ی یک دولت – کشور خطاب می نماید. در راستای مفاهیم هم باید میان این دولت حقوقی، قائل به تفکیک شد. زیرا مفاهیم حقوق بشر عموماً مابعدالطبیعه هستند، از این رو کلی و دارای ابهام های اساسی اند، اما حقوق شهروندی، به دلیل تعامل نزدیک تر با مردم دارای ابهام نبوده و بر اساس همان مبانی حقوق ایجاد می شود

تلاش برای استقرار دموکراسی در جوامعی که مردم آن به حقوق و تکالیف شهروندی آگاه نیستند می توانند موجب بروز هرج و مرج های اجتماعی شود . اما با توجه به اینکه در ادبیات حقوق معاصر در کنار حقوق شهروندی به دو مفهوم حقوق بشر و حقوق اساسی نیز بر می خوریم لازم است مرز های ظریف و میان این مفاهیم سه گانه ولادت موضوعی هر یک را در نظر داشت ، زیرا گاهی این سه مفهوم به صورت مترادف و گاهی به جای یکدیگر و به صورت جانشینی برای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند. (جزوه حقوق اداری – دکتر امیرارجمند، دانشگاه شهید بهشتی).

حقوق بشر به مثابه عالی ترین هنجار حقوقی فهم می شود که نسبت به حقوق موضوعی و نیز حقوق شخصی در مرتبه والا تری قرار دارد ، حقوق بشر بر پایه حرمت انسانی است که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه حرف نظر کردنی ، در فلسفه حقوق بشر در فرهنگ غرب ، چنین حقوقی از بدو زایش همراه انسان است و به منزله حقوق طبیعی و تلقی می شود . لذا حقوق بشر حقوقی نیست که دولت یا نهادی بتواند آن را مانند موهبتی به کسی اعطا کند بلکه دولت یا هر نهاد دیگری صرفاً می تواند آن را به رسمیت بشناسد یا نشناسد و از طرف دیگر حقوق اساسی ، چیزی جز برگرداندن ارزش های حقوق بشری به صورتی از حقوق شخص و بدون تصویب آنها در قانون اساسی نیست. بخشی از حقوق اساسی مانند حق زندگی که ملهم از حقوق بشر در شکل مطلق آن است که از طرف همه دولت ها و نهاد ها باید رعایت شود . اما بخش دیگری از این حقوق

اساسی مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است می تواند در برخی از قوانین اساسی شکل ملی به خود بگیرد و فقط شامل حال شهروندان کشور خاصی گردد. این بخش از حقوق را حقوق شهروندی می نامند.^۵

به طور کلی حقوق شهروندی بخشی از حقوق عام و گسترده حقوق بشر است که حقوق بشر زمان و مکان نمی شناسد و حق فردی ندارد و به جنسیت و حلیت افراد ارتباط پیدا نمی کند. حقوق شهروندی به عنوان بخشی از حقوق بشر مجموعه ای از حقوق است که برخی از آن در قانون اساسی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است.^۶

گفتار پنجم : منابع حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از مباحث مهم هر نظام حقوقی است، اجرای حقوق شهروندی مستلزم رعایت قواعد و قوانین وضع شده آن است. در مفهوم شهروند عنصر اصلی، تعلق فرد به یک جامعه سیاسی است و فرد واجد حقوق معین است و شهروندان به عنوان عضوی از جامعه مدنی تعریف می شوند که می پذیرند دارای حقوق مشترکی هستند و این حقوقی است خاص شهروندان یک جامعه است. به دلیل اهمیت حقوق شهروندی در جامعه امروزی باعث شده که مورد توجه سازمانهای بین المللی قرار بگیرد و در این راستا قانونهای فراملی وضع کرده اند، همچنین در سالهای اخیر این موضوع خوشبختانه بیشتر مورد توجه متصدیان امر قانونگذاری در کشورمان شده است که ما در اینجا به چند منبع ملی و فراملی آن می پردازیم.

بند اول : حقوق شهروندی در منابع ملی

در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم حقوق شهروندی در مفاد مختلفی مورد تاکید قرار گرفته است که در ذیل به تبیین این قوانین می پردازیم:

۱- حقوق شهروندی در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق و آزادی های شهروندی در اصول زیادی بیان و تاکید شده است. در این قانون، بخش مهمی از حقوق شهروندی تحت عنوان حقوق ملت (فصل سوم) آمده است: حق برابری حقوقی شهروندان، حق آزادی انتخاب (اصول ۲۰، ۲۱، و ۲۶) منع تفتیش

^۱-مصاحبه دکتر امیر ارجمند با روزنامه اعتماد ملی ۱۳۸۴-نسبت حقوق بشرو حقوق شهروندی.

^۲-محمد صالح نیکبخت: روزنامه آرمان ۱۳۹۲ میزگرد حقوق بشر.

عقاید (اصل ۲۳) ، حق برخورداری از آزادی سیاسی (۲۶) ، حقوق تامین اجتماعی (اصل ۲۹) ، حق داد خواهی (اصل ۳۴) . منع دستگیری (اصل ۳۲) همچنین موضوع اصول ۲۸ تا ۳۱ و ۴۱ ، ۴۶ و ۴۷ آزادی انتخاب شغل ممکن رفاه اجتماعی عروب کار می باشد .

۲- حقوق شهروندی در قوانین عادی

الف-قانون مدنی : در قانون مدنی ایران شرایط برخورداری (اهمیت تمتع) از حقوق شخصی و اجتماعی و اجرای حقوق (اهمیت استیفاء) مشخص شده است (مواد ۹۵۶ و ۹۶۰ ق ۱ . م) . سال ۱۳۳۵ تقریبی و به موجب ماده ۹۵۹ قانون ، سلب حقوق انسانی و شهروندی به طور کلی ممنوع است .

ب-قانون آیین دادرسی کیفری : به طور کلی هدف از وضع مقررات آیین دادرسی کیفری علاوه بر حفظ حقوق اجتماع ، حفظ حقوق و آزادی های فردی است،درقوانین آیین دادرسی سابق اشاره به حقوق شهروندی نشده بود ولی باتصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ گامی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق شهروندی برداشته شد ودرمواد متعدد آن رعایت حقوق شهروندی توسط دستگاه قضایی وضابطان دادگستری را الزامی دانسته است.

ج- ماده واحده حقوق شهروندی :

اصطلاح و واژه « حقوق شهروندی » برای اولین بار با صدور بخشنامه رئیس وقت قوه قضایه در ۲۰ فروردین سال ۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد.

در مقدمه این بخشنامه چهار ده بندی ، خطاب به مراجع قضایی ، انتظامی و اطلاعاتی کشور اینگونه به حقوق شهروندی اشاره شد : « از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی ، انتظامی و اطلاعاتی کشور می باشد ، توجه کلیه قضات شریف ، ظابطین و بازجویان و ناظران زندان ها و بازداشتگاه های سراسر کشور را به نکات ذیل (منظور ۱۴ بند بخشنامه) جلب می نماید» . در این بخشنامه رعایت قوانین در خصوص کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرار های تامین و بازداشت موقت ، اجتناب از اعمال هر گونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هر گونه خشونت یا بازداشت های ضامنی بدون ضرورت ، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان ، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم ، در جریان قرار گرفتن خانواده ، دستگیر شدگان ، اجتناب از ایزدای

افراد در جریان دستگیری و بازجویی و پرهیز از هر گونه شکنجه متهم به هر دلیلی از مفاد مهم این بخشنامه می باشد. پس از این بخشنامه بود که مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸۳/۲/۱۵ بخشنامه مذکور را عیناً به عنوان قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصویب کرد. بنابراین نخستین قانون در خصوص حقوق شهروندی در ایران، قانون مذکور بود که صرفاً در گستره قضایی، حقوق شهروندی را مورد حمایت قرار داد.

د-قانون برنامه چهارم: قانونگذار در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران دامنه حقوق شهروندی را علاوه بر گستره قضایی به سایر گستره های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم داده است مورد حمایت و توجه قرار داده است و دولت را موظف کرده است که توسعه مشارکت همه جانبه ایرانیان بر اساس حق برابر شهروندی در نظام تصمیم سازی تصمیم گیری و مدیرین اجرایی کشور تامین کند. قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰ دولت را موظف کرده است که منشور حقوق شهروندی را به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه را تهیه و تنظیم نماید. که دولت نیز در آذرماه ۱۳۹۲، اصول کلی، برنامه ها و خط مشی خود را در قالب منشور حقوق شهروندی تهیه و تنظیم نمود.

بند دوم: حقوق شهروندی در منابع بین المللی

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر: این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۹ آذر ۱۳۲۷) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که موارد ۱ و ۲ اعلامیه در خصوص چهار اصل اساسی یعنی آزادی، برابری عدم تبعیض و برادری در خصوص تمام افراد بشر دنیا اعلام می کند. و این اصول به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام شده است ... (ناصر زاده، ۱۳۷۲: مقدمه). همچنین در سایر موارد در خصوص حق زندگی و آزادی و امنیت شخصی بیان می دارد که این حقوق و آزادی ها نمی تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا شود.^۷

بنابراین اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر در این است که بررسی نخستین بار در تاریخ جهان در زمینه حقوق و آزادی های اساسی بشر آن هم از طرف یکی از مهم ترین مقامات بین المللی منتشر و به عنوان آرمانی مشترک برای همه افراد شناخته شده است.

۱- بند ۳ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی :

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل یک مقدمه و ۵۳ ماده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. دولت ایران نیز در تاریخ ۴۷/۱/۱۵ آن قبول و امضاء و در اردیبهشت ۱۳۴۵ از تصویب مجلسین سنا و شورای ملی گذرانده است. و به عنوان مقررات داخلی لازم الاجرا شد. این میثاق نگاهی ویژه به حقوق شهروندی دارد و در موارد متعددی در خصوص ملعا ساختن مجازات اعدام وضع آزار و شکنجه و یا رفتارهای ظالمانه خلاف انسانی و همچنین لغو برده داری و کار اجباری اشاره دارد همچنین در ماده ۹ به حق آزادی و امنیت شخصی پرداخته شده است و هیچ کس را نمی توانی خود سرانه تفتیش یا مجازات کرد و سلب آزادی باید طبق قانون صورت گیرد و عنوان می دارد که افراد دستگیر شده باید به آنها تفهیم اتهام و در صورت معقول به جرایم آنها رسیدگی شود. ماده ۱۰ این میثاق اشعار می دارد که جنسیت ذاتی انسان ها بایستی محترم شمرده شده و به جدایی متممین صغار از بزرگسالان می پردازد. حقوقی که در این میثاق آمده جزء حقوق شهروندی می باشند و کشورهایی که آن پذیرفته اند بایستی به آن پایبند باشند هر چند شدت و ضعف این مواد در هر کشور متفاوت است. (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۸۱).

مبحث سوم: تاثیر متقابل حکمرانی خوب و حقوق شهروندی

حقوق شهروندی و حکمرانی خوب رابطه مستقیم دارند حکمرانی خوب بدون شاخص های حقوق بشر و حقوق شهروندی به سرانجام نخواهد رسید و تبدیل به حکمرانی بد تبدیل می شود و همچنین است شاخص های حقوق شهروندی بون بستر حکمرانی خوب قابل اجرای نمی باشند و اساسا هدف از طرح حکمرانی خوب توجه و تضمین حقوق شهروندی در جامعه است و نیز حکمرانی خوب ساختار و فرایندی است که برای اجرای نمودن حقوق شهروندی دولت ها در زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی طراحی شده است که در اعلامیه جهانی ملل متحد یکی از اهداف آن را "حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی خوب" ذکر کرده است.

رعایت حقوق شهروندی، مهمترین معیار حکمرانی خوب است، حقوق بشر و حقوق شهروندی یک مجموعه بهم پیوسته و غیر قابل انفکاک است، هیچ حقی را نمی توان به این دلیل عناصر حقوق شهروندی منسجم و بهم پیوسته هستند تمامی عناصر حقوق شهروندی بخشی از اجزای یک منظومه هستند. حکمرانی خوب

مفهومی است مشتمل بر معیارهای حقوق بشر و حقوق شهروندی که در اسناد بین المللی به رسمیت شناخته شده اند، رویه ها و اصول حکومتداری این نوع حکمرانی کاملاً براساس معیارهای حقوق بشری است و گام به گام آنها را تضمین می نماید و از این طریق است که دولت های مدعی حکمرانی مطلوب ، امور عمومی را به بهترین شکل ممکن انجام می دهند و حقوق بشر و حقوق شهروندی را تضمین می نمایند(جنت مکان، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

در مجموع می توان یک سری خصیصه های مشترک را برای حکمرانی خوب برشمرد که این ویژگی ها منجر به رعایت حقوق شهروندی در جامعه شده و این موارد در اکثر تحقیقات انجام شده مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. تقویت کننده ساختارهای دموکراتیک، ۲. باعث بالارفتن شفافیت، پاسخگویی و توسعه مشارکت شهروندان خواهد بود، ۳. گفتمان جدیدی در بحث احترام به حقوق شهروندی و حاکمیت قانون به وجود خواهد آورد، ۴. به وجودآورنده و اتخاذ کننده یک خط مشی مناسب اقتصادی جهت تسهیل در دستیابی به توسعه.(امامی و شاکری، ۱۳۹۵: ۳۳).

نتیجه گیری

مولفه های حکمرانی خوب امروزه به مثابه یک دستگاه سنجش وضعیت در کشورهای مختلف دنیا به کار می رود و کشورها براساس مولفه های تعیین شده مورد ارزیابی و رتبه بندی قرار می گیرند، این اندیشه درحال حاضر از مقبولیت بالایی برخوردار است. به باور برخی صاحب نظران وجود شکاف بین دولت و ملت مانع جدی تحقق حکمرانی خوب است. که می توان با تقویت مشارکت شهروندان و نیز رعایت حقوق شهروندی توسط مسئولان به اهداف عالیه حکمرانی خوب دست یافت، همچنین است که حقوق شهروندی در نزد شهروندان، ثابت و محفوظ است و نه تنها آن را دولت ایجاد نمی کند، بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود، این حقوق را نقض کرده است جبران کند. در واقع حکمرانی خوب واژه نوپایی است که جلوه و معیار اصلی آن احترام ، تضمین و اجرای بی کم و کاست حقوق شهروندی در کشور است .

از سوی دیگر قانون قانون اساسی عالی ترین سند حقوقی کشور است که اصول اساسی و ساختار و حدود قدرت سیاسی دولت را تعیین می کند و تضمین کننده حقوق شهروندان می باشد ، به مفهوم دیگر این هنجار برتر کیفیت و چگونگی اداره ی کشور را معین می کند. مطالعات انجام شده نشان می دهد که حکمرانی خوب

در ایران مبتنی بر سبک دستوری و سلسله مراتبی است که در آن بین دولت و شهروندان تعامل ضعیفی وجود دارد نقش پر رنگ دولت در فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری نشان دهنده ی ضعف های اساسی در سیستم حکمرانی است هرچند در اصول متعدد قانون اساسی مولفه های حکمرانی خوب به نحوی بیان شده است ولی در عرصه میدانی دارای فراز و نشیب هایی بوده است و با توجه به اینکه حاکمان قدرت خود را از جامعه دریافت می نمایند بایستی شاخص های این حقوق را در سطح ایده آل برای آحاد جامعه اجرا نمایند لذا نتیجه می گیریم که لازمه تضمین و رعایت حقوق شهروندی مدل حکمرانی خوب است.

The Impact of Good Governance on Citizenship

Manouchehr Yasimi
Amir Jan Mohammadi

Abstract

Governance is one of the most basic needs of human societies, which is not necessarily covered, although there are some disagreements. However, the main concern of most theorists is the administration of justice and the establishment of order and security. The constitution, structure, hierarchy, status and political power of the state determine and guarantee the citizenship rights of the citizens of the community and regulate the relations of the state and the nation. Good governance is a new discourse that is defined by the elements such as legitimacy, participation, responsibility, accountability, transparency and effectiveness that have been addressed in recent years. Citizenship law is also one of the new concepts that focuses on equality and justice and has found a place in social, political and legal theories. Citizenship is achieved when all individuals in a society enjoy all civil and political rights and have easy access to the opportunities to live economically and socially. Citizens as members of a community participate in various areas of law and That is, they also take on responsibilities for better governance and order, this article explores the concept and components of good governance, examining its impact on citizenship and observes that And the guarantee of citizenship is only possible in the shadow of good governance and achieving governance Web, implementation of civil rights indicators easy.

Keywords: Constitution, Good Governance, Citizenship, Rule of Law, Government, Participation

منابع و مأخذ

- ۱- آشوری، داریوش، (۱۳۷۶). ما و مدرنیت. تهران: نشر موسسه فرهنگی صراط.
- ۲- آقایی جنت مکان، حسین، (۱۳۹۷) تأثیرات حکمرانی خوب در رعایت حقوق بشر، علوم سیاسی. شماره ۴۳.
- ۳- امامی، محمد و زرگوش، مشتاق. (۱۳۸۷). جنبه های درونی نظریه حاکمیت قانون در پرتو کترین حکمرانی خوب. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. سال سوم. شماره ۹.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶) ترمینولوژی حقوق، چاپ هفدهم، کتابخانه گنج دانش.
- ۵- سردارنیا، خلیل، و شاکری، حمید. (۱۳۹۳) تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا. مجله مطالعات حقوقی. شماره ۴.
- ۶- شریفانی ثانی، مریم. سرمایه اجتماعی، (۱۳۸۰) مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی. شماره ۸.
- ۷- راعی، مسعود و عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه حکومت اسلامی. سال هفدهم. شماره ۱.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴) کلیات حقوق، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۹- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳). تحلیل و امکان سنجی حکمرانی خوب در ایران با تاکید بر نقش دولت. دانش مدیریت. شماره ۶۷.
- ۱۰- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). بنیادهای علم سیاست تهران: نشر نی.
- ۱۱- مصاحبه دکتر امیرارجمند با روزنامه اعتماد ملی. (۱۳۸۴) نسبت حقوق بشر و حقوق شهروندی.
- ۱۲- ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر. انتشارات جهاد سازندگی.
- ۱۳- نیکبخت، محمد صالح، (۱۳۹۲) میزگرد حقوق بشر، روزنامه آرمان.
- ۱۴- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۳)، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ سوم، انتشارات میزان.

۱۵- هاشمی شاهرودی، آیت الله سید محمد، (۱۳۸۶). شهروند محوری در عرصه عدالت، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

۱۶- یاسمی، منوچهر، (۱۳۹۵). بررسی وظایف ضابطین در رعایت حقوق شهروندی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی.